

آینه

شهرزد

آمرحمله به سفارت عربستان دستگیر شده‌است

● **محمدرضا محسنی‌ثانی**؛ متأسفانه فردی با توجه به سوابق سونی که داشته، توانسته است سازمان و ساختاری به بعضی از نیروهایی که نسبت به وی شناخت نداشته‌اند، بدهد. این شخص در گذشته نیز حرکت‌هایی ازاین‌دست انجام داده ودر شهرستان‌های مختلف، تندروی‌هایی داشته و سوابقی از او در این‌گونه مسائل وجود دارد. درحال‌حاضر برخورد شدیدی با این افراد صورت گرفته است و تعداد زیادی از آنها دستگیر شده‌اند و فردی که در حقیقت آمر اصلی بوده و از خارج به نیروهایش فرمان می‌داده و آنها را کنترل می‌کرده به محض ورود به کشور دستگیر شده و در حال محاکمه است. احساس ما این است که این فرد با توجه به بنیه ضعیفی که از نظر ایمانی و اعتقادی داشته و تقریبا فردی بسیار سطحی هم بوده است، این اقدامات را انجام داده است. ضمن اینکه او تاکنون ناهنجاری‌هایی را از خود بروز داده است که سوابق او به‌عنوان یک نیروی افراطی موجود است. این اتفاق، خودجوش نبوده بلکه کاملا سازماندهی شده بود اما درباره وابستگی آنها به جریان تشیع انگلیسی باید بگوییم که چنین چیزی صحیح نیست و وابستگی میان این عناصر خودسر و این جریان وجود نداشته است. بااین حال دستگاه قضائی باید برخورد جدی با این پرونده داشته باشد؛ چراکه متأسفانه با چنین رفتارهایی در گذشته برخورد جدی نشده است و این اتفاقات تکرار شده است.

کیم‌ان

نفوذ،فتح‌وحنق‌الناس

محمدحسین محترم؛ اگر سه واژه «نفوذ»، «فتنه» و «حق‌الناس» در کلام رهبری را به سه واژه «منافق»، «فتنه» و «امانت» در قرآن کریم تشبیه کنیم درمی‌یابیم که خداوند متعال نیز در قرآن کریم براساس مراتب اهمیت هوشیاری در برابر منافقان (یا همان نفوذی‌ها و جاسوسان) ۲۶ بار و در اهمیت هوشیاری دربرابر فتنه‌گران ۲۰ بار تذکر و هشدار داده، اما برای تاکید بر موضوع امانت فقط شش بار کلمه امانه را در سوره‌های احزاب، بقره، نساء، انفال، مؤمنون و معارج استفاده کرده است. لذا بالا برای درک بیانات رهبر معظم انقلاب باید این سه واژه را با هم و در یک منظومه واحد مورد تحلیل قرار داد، چراکه سه موضوع نفوذ، فتنه و حق‌الناس پازل‌های یک نقشه و بازی دشمن است و تحلیل هریک از این سه موضوع به‌تهتایی بدون توجه به دو موضوع دیگر فقه درستی از هشدارهای رهبرمعظم انقلاب به ذهن متبادر نمی‌کند و هم تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نظام و هم مردم را دچار اشتباه می‌کند و راه به بیراه خواهند برد که این خود خطی از نفوذ دشمن است.

تاریخ

مسابقه‌نابرابر

سیدرضا اکرمی، من موافق نبش قبر دوره‌های قبل مجلس نیستم و معتقدم که باید نگاه روبه‌جلو در زمینه انتخابات داشت و باید از بسیاری از دوره‌های قبل و اتفاقات آن دوره‌ها بگذریم و با نگاه به آینده طبق فرمایشات مقام معظم رهبری- زمینه را برای حضور حدکثری فراهم کنیم. به نظر من باید ببایم از امروز به بعد زمینه حضور ۷۸ میلیون جمعیت ایران و کسانی که واجد شرایط رای‌دار هستند را فراهم کنیم، در رابطه با عملکرد شورای نگهبان هم باید بگوییم که در هر دوره شورای نگهبان یک روش یا سیاستی به کار می‌برد که در دوره قبل به کار نبرده است و ما باید در فضای گفت‌وگو به آنها بگوییم که اعضای محترم شورای نگهبان، ایین نماینده‌ای که هم‌اکنون نماینده مجلس است و در چارچوب نظام فعالیت می‌کند و مجلس هم بر کار آن نظارت دارد به چه دلیل صلاحیت او را رد می‌کنید.

پژوهش‌های علمی

بازی باآمار در احراز صلاحیت‌ها

عباس حاجی‌نجاری؛ از میان ۱۵۰ نفر عناصر شاخصی که به‌عنوان در صلاحیت‌شده یا عدم احراز صلاحیت در رسانه‌های جریان اصلاح‌طلب از آنها نام برده شده، ضمن اینکه همه آنها اصلاح‌طلب نیستند، اما بخش عمده آنها کسانی هستند که در جریان فتنه گذشته محکوم شده و نقش آنها در افراطی‌گری‌های مجلس ششم و فتنه ۸۸ غیرقابل‌انکار و کتمان است، بدون آنکه از هزینه‌هایی که بر نظام تحمیل کرده‌اند اندکی ندامت داشته باشند و این نشان می‌دهد که آنها صرفا با آگاهی از رد صلاحیت برای فئاسازی ثبت‌نام کرده بودند.

جهان اقتصاد

رئیس‌جمهورخونسردی‌اش را حفظ کند

فیاض زاهد؛ یکی از نکات مهم درباره آقای روحانی این است که او به مسیری نلغزد که اعتماد حاکمیت به دولت دچار خدشه شود. این فرایند بسیار مهمی است و من فکر می‌کنم که از خود انتخابات مجلس مهتر است. آقای روحانی در اظهارنظرها، در پیگیری مشکلات، باید خونسردی خودش را حفظ کند. اگر آقای روحانی اعتماد درون ساختار حاکمیت را از دست بدهد، با مزاحمت‌های پیچیده‌تری روبه‌رو خواهد شد. به نظر من برگ برنده آقای روحانی به آنجایی برمی‌گردد که ایشان مورد وثوق مقامات عالی‌رتبه هستند.

ایرانی، مسلمان و دموکرات؛ مهندس مهدی بازرگان خود را با همین سه کلمه تعریف می‌کرد. دانش‌آموخته ترمودینامیک از پاریس بود، بیشتر از هر چیز نزدیکی به قرآن و پژوهش در آیات آن، او را به سیاست نزدیک کرد. بازرگان نیم‌قرن از عمر خود را صرف پژوهش‌های فکری، دینی، اجتماعی و سیاسی کرد، جست‌وجویی بی‌پایان که نتیجه آن در همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی‌اش ملموس است.

تأسیس نهادهای دینی، علمی، سیاسی، اجتماعی و فنی که حزب «نهضت آزادی ایران» مهم‌ترین نمونه آن است، مسیر زندگی بازرگان را تشکیل می‌داد. او دموکراسی را به‌عنوان راه و روش زیست انسانی، عقلانی، اسلامی و اخلاقی برای انسان مناسب می‌دید.

غلامعباس توسلی: بازرگان می‌گفت دعوای ما قدرت نیست حجت است

آنگاه مهندس بازرگان به سیاست و قدرت چگونه بود و این نگاه چه نسبیتی با اندیشه دینی ایشان داشت؟

از نظر من، ایشان قدرت را در اختیار خداوند و بعد از آن در دست مردم می‌دانستند. امام می‌گفتند جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر، مهندس بازرگان معتقد به جمهوری‌اسلامی با پشتوانه مردمی بودند که در آن قدرت متعلق به مردم است. می‌گفتند قدرت امانت مردم است که باید آن را به خودشان برگرداند.

آریشه‌های فکری مهندس بازرگان در قرآن بود آیا می‌توان ایشان را یک سیاست‌مدار قرآن‌مدار دانست؟

ایشان بیشتر کار علمی و فنی می‌کردند. رشته تحصیلی او مهندسی بود، ولی به صورت فوق‌العاده‌ای بر قرآن و آیات قرآنی تسلط داشتند و در بسیاری موارد به قرآن رجوع می‌کردند. باور ایشان این بود که قدرت متعلق به مردم است و باید دموکراتیک باشد، البته این به سیاستی برمی‌گردد که در آن مردم و نمایندگان مردم در اولویت هستند.

آظهارا در ابتدای انقلاب آیت‌الله طالقانی با قبول نخست‌وزیری توسط مهندس بازرگان مخالفت بودند. دلیل این مخالفت چه بود؟

من آنجا نبودم، ولی مهندس بازرگان در جلسه بعدی‌ای که تشکیل شد، گفتند آیت‌الله طالقانی موافق نخست‌وزیری من و تشکیل دولت موقت توسط من نبود. آیت‌الله طالقانی شعورا را اصل می‌دانستند و بر شعور تاکید می‌کردند، مهندس به اندازه آقای طالقانی بر بحث شعور تاکید نمی‌کرد و بیشتر بر آزادی‌های فردی، آزادی احزاب سیاسی، آزادی مطبوعات و دیگر آزادی‌هایی که در قانون اساسی ذکر شده است، تکیه داشتند.

آما مهندس بازرگان نپذیرفتند و نخست‌وزیر شدند.

بله، به خاطر مشورت‌های دیگری بود که انجام شد. دوست و دشمن می‌گفتند فقط مهندس بازرگان هستند که می‌توانند با روحانیت سازگار باشند چون ایشان قرآنی هستند و می‌توانند دولت اسلامی تشکیل دهند. بنابراین ایشان تقریبا مجبور بودند که بپذیرند. کسانی مانند آقای مطهری و مرحوم بهشتی و افراد دیگر بر این عقیده بودند که فقط مهندس بازرگان توانایی انجام این کار را دارد. علتش هم این بود که یک نظام شاهنشاهی در ایران مستقر بود که ساختار این نظام بر سازمان‌ها و نهادهای استوار بود که همه غربی بودند و همه می‌گفتند باید دولتی بر سر کار بیاید که این دستگاه‌ها را بشناسد و بتواند زیر نظر خودش اداره و اصلاح کند.

آهنوز هم بسیاری معتقدند مهندس بازرگان بیشتر یک نظریه‌پرداز بود تا یک سیاست‌مدار، شما با این نظر موافقت؟

البته این موضوع پنهان و پوشیده‌ای نیست خود بازرگان هم می‌گفت من پدرم سیاست‌مدار نبوده، از من درخواست شد وارد سیاست شوم. البته می‌توان این گفته را به حساب تواضع ایشان گذاشت. ورود ایشان به سیاست در دوره مصدق بود که در تصفیه‌خانه آبادان به‌عنوان سرپرست انتخاب شدند و کار خود را هم به نحو احسن انجام دادند و بعد در اپوزیسیون نهضت مقاومت ملی سال‌ها فعالیت می‌کردند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و برکناری مصدق، بازرگان در قلب مسائل سیاسی بود و نهضت آزادی را تشکیل دادند. ایشان به همراه آیت‌الله طالقانی و مهندس سحابی به ۱۰ سال زندان محکوم شدند. به‌همین دلیل می‌گفتند بازرگان به خاطر اطلاعات و تجربه و به دلیل مذهبی‌بودنش، فرد مناسبی برای نخست‌وزیری هستند.

آدر انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۵۸، در داخل نهضت اختلافاتی پیش آمد. اختلاف بین کاندیداتوری آقای مهندس بازرگان و دکتر حبیبی بود و ظاهرا مهندس سحابی طرفدار نامزدشدن دکتر حبیبی بودند. این جریان را به یاد دارید؟

تاریخ سیاسی

نگاهی به اندیشه نخست‌وزیر دولت موقت در سالگرد درگذشتش

سلوک سیاسی بازرگان

نزعت امیرآبادیان

بازرگان مردی بود که سال‌ها در زندان پهلوی، روزگار گذراند و درنهایت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از سوی امام‌خمينی (ره)، مسئول تشکیل اولین دولت پس از انقلاب شد.

اما با استعفادان از نخست‌وزیری ترجیح داد در قالب جریان سیاسی، فعالیت کند.

مهندس مهدی بازرگان در تاریخ جمهوری اسلامی مردی چالش‌برانگیز بود. او هنوز هم طرفداران و مخالفان سرسختی دارد، اما منزلت بازرگان آن چنان بالا بود که رهبرمعظم انقلاب اسلامی پس از درگذشت او در پیام تسلیت خود

آدر ابتدای انقلاب، نهضت آزادی و مؤتلفه نگاه‌های اقتصادی شبیه به هم داشتند، یعنی هر دو به اقتصاد بازار آزاد معتقد بودند، اما پس از انقلاب می‌بینیم اختلافات زیادی بین این دو گروه وجود دارد. عامل اصلی این اختلافات چه بود؟

ما در همه موارد اقتصادی هم با نظرات نهضت آزادی موافق نبودیم. اما در مواردی نقاط مشترک داشتیم مانند همین که ما به اقتصاد غیردولتی و بدون نفت اعتقاد داشتیم و داریم. آنها هم تا جایی که من اطلاع دارم دراین‌باره با ما هم‌نظر هستند. البته ایـن شامل همه اعضای نهضت آزادی نمی‌شود، چون برخی از آنها به اقتصاد سوسیالیستی اعتقاد داشتند. اما درهرصورت درباره اقتصاد دولتی و مردمی اشتراکاتی با ما داشتند. ما معتقدیم اقتصاد باید مردمی باشد یعنی مقدرات اقتصاد کشور در دست چند نفر سرمایه‌دار درجه‌یک نباشد و سیاست‌هایی اعمال شود که مردم خود را شریک اقتصادی دولت احساس کنند. اختلافات ما با نهضت آزادی از قبل بود و اکنون نیز آن اختلافات وجود دارد. مهم‌ترین نکته این اختلافات این است که اصولا نهضت آزادی به نظر ما به حکومت دینی

معتقد نیست. من از برخی سران نهضت آزادی سؤال کردم شما به ولایت فقیه معتقدید؟ گفتند نه، اما چون در قانون اساسی مصوب مردم ولایت فقیه آمده است، از این جهت به ولایت فقیه ملتزم هستیم، اما معتقد نیستیم. بنابر این ما یک وجه مهم اختلافمان با نهضت آزادی و کسانی که پیرو مثنی نهضت هستند، در موضوع ولایت فقیه است.

آاینکه به ولایت فقیه اعتقاد، نافی همکاری در دولت و حکومت نیست، یعنی اینکه افرادی با اعتقادات متفاوت در کنار هم جمع شوند و در نهایت به یک قرار و قانون مشترک التزام داشته باشند برای اداره یک جامعه کافی است. چرا اشتراکات اقتصادی که عمده هم هستند، توانست به همکاری مؤتلفه و نهضت منجر شود؟

ما اصولا معتقدیم نهضت آزادی در امر حکومت سکولاریستی فکر می‌کند و معتقد است دین نقشی در سیاست ندارد. البته بسیاری از اعضای نهضت آزادی متدین هستند، برخی از آنها حتی به مستحبات و نوافل هم اهمیت می‌دهند اما با وجود اشتراکات در نهضت آزادی حل نخواهد شد. آنها صریحا به حکومت غیردینی اعتقاد دارند و ما تاکید بر حکومت دینی داریم. بنابراین اینکه برخی از اشتراکات اقتصادی نتواند مشکلات ما و نهضت آزادی را با هم حل کند، موضوعی بسیار طبیعی است و تا زمانی که ما این‌گونه فکر می‌کنیم و بایندی اعتقادی به ولایت

خفقان و دین‌زدایی رژیم پهلوی، دارای شأن و ارزش به‌خصوصی بود. خداوند ایشان را مشمول رحمت و مغفرت و فضل خود قرار دهد و به تلاش‌های ایشان با چشم رضا و قبول بنگرد. لطفا مراتب تسلیت این‌جانب را به همسر و فرزندان محترم ایشان ابلاغ فرمایید.

سیدعلی خامنه‌ای ۱۳۷۳/۱۱/۵
به مناسبت سالمرگ او با «دکتر غلامعباس توسلی»، از یاران بازرگان و عضو نهضت آزادی ایران و «محمد نبی حبیبی» که دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی و از منتقدان سرسخت بازرگان است به گفت‌وگو نشست.

حبیبی و توسلی در رشته جامعه‌شناسی تحصیل کرده‌اند و هر دو از ابتدای انقلاب در بطن اتفاقات بوده‌اند.

محمدنبی حبیبی: انتخاب بازرگان تاکتیک امام در مقابل آمریکا بود

فقیه داریم برخلاف نظر نهضت آزادی، طبیعی است اختلاف بین ما به قوت خود باقی است.

آشما مواضع مهندس بازرگان را در سه مرحله قبل از انقلاب، دوران نخست‌وزیری و مرحله‌ای که از کار اجرایی و دولتی خارج شدند، چگونه می‌بینید؟

مرحوم آقای مهندس بازرگان قبل از انقلاب، خودش و تشکیلاتشان در بسیاری موارد مقابل حکومت موضع می‌گرفتند. در همین رابطه ایشان به زندان رفتند. اول اینکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیلات نهضت آزادی به دلیل اینکه اعتقادی به ولایت فقیه نداشتند، دچار تعارضات جدی با نظام شد. مطلب دوم اینکه به غیر از تضاد اعتقادی‌ای که ما با نهضت آزادی داشتیم و داریم، موضوع این بود که مهندس بازرگان در همان ابتدای نخست‌وزیری گفتند انقلاب تمام شد و مردم به خانه‌های خود بروند. اما ما معتقدیم انقلاب به معنای آدم‌گدی برای ظهور امام زمان است، بنابر این با انقلاب اسلامی ایران آغاز شده نه اینکه خاتمه یافته باشد. من بادم هست مرحوم آقای عسکراولادی نکته‌ای گفتند.

من از ایشان خواهش کردم این نکته را بنویسند. من این نوشته را دارم. مرحوم عسکراولادی اواخر اسفند ۱۳۴۱ بعد از غائله انجمن‌های ایالتی و ولایتی که تقابل رژیم شاه با علما و مراجع بسیار زیاد شده بود، حدود ساعت ۱۱ شب ملاقاتی خصوصی در منزل حضرت امام با امام داشتند، این ملاقات مقدماتی دارد اما در همین ملاقات دونفره، حضرت امام به مرحوم آقای عسکراولادی می‌گویند: «می‌دانید که ما مقصودمان از نهضت چیست؟» آقای عسکراولادی عرض می‌کنند که بهتر است از خود شما

بشنوم. امام می‌گویند: «نهضت ما سه مرحله دارد یک، اسلامی‌کردن ایران، دو، اسلامی‌شدن جهان اسلام و سه، جهانی‌شدن اسلام. آنگاه است که به حضرت صاحب‌الزمان عرض می‌کنیم که مولا زمین آماده قدم مبارک شماست». افق دید حضرت امام درباره انقلاب این است.

من معتقدم مرحوم آقای بازرگان و نهضت آزادی، اصولا انقلابی که بخواهد چنین مرحله‌ای را طی کند، قبول ندارد و معتقدند خوب است ما یک نظام خدمتگزار مردم داشته باشیم که ظلم و اجحافی به مردم نشود. آنها هم به یک حکومت دیکتاتوری و زورگرو اعتقاد ندارند. مرحوم مهندس بازرگان در دیماه ۱۳۵۷ در جلساتی که جامعه پزشکان و مهندسین با هم به صورت مشترک داشتند؛ دقت کنید خاطره‌ای که تعریف می‌کنم مربوط به دی ماه سال ۱۳۵۷ است. در منزل یکی از بستگان ما، یعنی برادر همسر من این جلسه تشکیل شده بود. در این جلسه افرادی مانند مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی، مرحوم شهید بهشتی و آیت‌الله موسوی‌اردبیلی و برخی از دیگر بزرگان از جمله عده زیادی از مهندسین و پزشکان حضور داشتند. در یک مذاکره خصوصی و نه در عموم، یکی از افراد مشغول صحبت با مهندس بازرگان بود. من از کسی که طرف مذاکره یا مهندس بازرگان بود، پرسیدم که شما دو نفری چه می‌گفتید؟ ایشان گفتند که آقای مهندس بازرگان می‌گفتند آقا در پاریس مرتبا می‌نشینند و می‌گویند که شاه باید برود، مگر می‌شود که شاه برود. این مطالب، در دی‌ماه سال ۱۳۵۷ بین بازرگان و فرد دیگری ردوبدل شد؛ یعنی در آن زمان مهندس بازرگان معتقد بودند که شاه باید بماند، سلطنت کند. حکومت نکند. این، هم شعار نهضت آزادی بود و هم شعار جبهه ملی. مرحوم آقای دکتر سنجابی دبیرکل جبهه ملی ایران هم همین نظر را داشتند. می‌گفتند شاه بماند، سلطنت کند. حکومت نکند؛ اما امام چه می‌گفتند؟ امام می‌گفتند شرط اصلی، رفتن شاه است.

ادامه در صفحه ۷

یادداشت

بازرگانی که من شناختم

لطیف صفری

● ارادت من به مرحوم مهندس بازرگان و همفکرانشان به‌خصوص مرحومان دکتر سحابی و مهندس سحابی به سال‌های ۴۷ و ۴۸ برمی‌گردد. در آن زمان من دانشجوی دانشگاه تهران بودم و فضای دانشگاه تقریباً تحت‌تأثیر افکار این بزرگواران بود. در سال‌های ۵۱ و ۵۲ در زمان تحصیل دانشگاه، معلم دبیرستان بودم. دبیرستان ما در جنوب‌شهر در منطقه نعمت‌آباد قلعه‌مرغی که منطقه بسیار فقیری بود، قرار داشت. همکاران آن مدرسه ۹۰ درصد مخالف رژیم و اکثر آنها از فرهنگیان مناطق کردستان و کرمانشاه بودند که به آن مکان فرستاده شده بودند؛ اکثر هم تحصیلات لیسانس و بالایی لیسانس داشتند. طبیعی بود که در این محیط بحث‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زیاد باشد. گرایش‌های مختلف هم در مدرسه وجود داشت. بعضی معلمان اهل نمازשב بودند و بعضی تفکرات چپ را راست داشتند و طرفدار گروه و اندیشه‌های مختلف بودند؛ ولی همه در یک وجه مشترک بودند و آن موضع‌گیری در برابر رژیم بود. این مدرسه کانون مبارزه شده بود.

یک نفر که آن زمان از زندان آزاد شده بود، از مشی بازرگان و آیت‌الله طالقانی در زندان تعریف می‌کرد که برای من سازنده بود. یکی از همکارانم در دبیرستان از طریق یکی از آشنایانشان که در کارخانه مهندس بازرگان کار می‌کرد، برنامه گذاشته بود که ما خدمت ایشان برویم که یکی از روزهای بهیامداندنی برای من بود. ما همان روز از زبان مرحوم بازرگان شنیدیم که آینده به‌خوبی رقم می‌خورد و یکی از امیدهای مردم آیت‌الله خمینی(ره) است؛ اما آنچه که بیشتر از همه من را به آقای بازرگان علاقه‌مند کرد، این بود که ایشان به‌عنوان رئیس دولت از جانب امام انتخاب شدند. من هم جزء کسانی بودم که در استان کرمانشاه فعال بودم. در اولین روزهایی که امام پیام دستور تشکیل جهاد را داد، من به منطقه اسلام‌آباد رفتم و جهادسازندگی اسلام‌آباد غرب را تشکیل دادم و خوشبختانه هفت، هشت ماه در جهاد مشغول به کار سازندگی بودم. در یکی از روزهای شهرپورماه ۵۸ در دفتر جهاد گفتند کسی پشت خط تلفن با شما کار دارد. من تلفن را برداشتم و متوجه شدم آقای مهندس بازرگان پشت خط هستند. خیلی خوشحال بودم، چراکه با نخست‌وزیر مملکت صحبت می‌کردم. اقدامات خود را در جهاد اسلام‌آباد برای ایشان شرح دادم. ایشان من را تشویق کرد و پرسید هزینه کارهایتان را از کجا تأمین می‌کنید؟ آبا هزینه‌هایش را از پول یک روز نفت به شما دادند که من گفتم خود مردم تأمین می‌کنند و گاهی هم از هزینه پروژه‌هایی که در بودجه تصویب شده است، استفاده می‌کنیم. در مجلس اول که مهندس بازرگان حضور داشتند، مجلس اول واقعا به‌برکت انقلاب و همراهی با انقلاب در سطح بالایی بود. آقای بازرگان با سوابقی که داشت و عنایتی که امام و شخصیت‌های انقلاب به ایشان داشتند برای همه قابل احترام بود. مهندس بازرگان و همفکرهای ایشان کنوکرات‌های مجلس بودند. اهل حساب‌کتاب و برنامه‌ریزی و آینده‌نگری بودند. معتقد بودند هرچیزی به جای خودش باید قرار بگیرد. تلاش آنها این بود که مجلس را به سطح بالا بکشانند. ما که جزء جوان‌های مجلس بودیم و اکثرا هم دانشگاهی یا فرهنگی، به‌دنبال فکر این گروه بودیم. برخورد‌های مهندس بازرگان با همه و حتی مخالفان و منتقدانشن محترمانه بود.

●**نماینده مجلس دوره اول و دوم**

ادامه از صفحه ۳

در زندان باز شده

روحانی اضافه کرد: «در شرایطی که اروپایی‌ها ادعا می‌کردند که جامعه جهانی علیه ایران است، از همسایگان مسلمان و به‌نام پهل‌رمان انتظار نداشتیم تا پول خرج کنند که مذاکرات به نتیجه نرسد و عده‌ای در داخل بنر نامیدی بپیشانند؛ اما شاهد بودیم هر بار که ملت اراده می‌کند، لطف خدا هم همراه ما می‌شود و قدم‌به‌قدم راه موفقیت را طی کردیم».

رنج‌بیرها گسسته‌شده

رئیس جمهوری، در ادامه با بیان اینکه امروز آغاز راهی است برای انسان بی‌گناهی که ۱۲ سال در زندان دست‌وپایش به رنج‌بیر بوده است، گفت: «به دست‌وپای اقتصاد ایران غل‌ورنج‌بیر بسته بودند و امروز این جوان آزادشده، در آغاز فعالیت خود است؛ چراکه در زندان باز شده و رنج‌بیرها گسسته شده و این جوان بی‌گناه به صحنه آمده است».او با بیان اینکه سلطنت ۱۲ ساله پهلوی، روحانی با بیان اینکه به مردم اطمینان می‌دهم که اگر همه به وظیفه‌مان عمل کنیم، زندان برای همیشه ویران شده و رنج‌بیرها برای همیشه به چاه عمیق افکنده می‌شود،گفت: «بعد از ۱۲ سال باید این جوان بدن خود را ترمیم کند و به صحنه بیاید تا داور به او اجازه‌ارود به میدان رقابت بدهد؛

ادامه در صفحه ۱۹